

انقلاب الجزایر و پیام آن
گزارشی از ماهنامه مبارزه و همبستگی کارگران
کارخانه تکنوکار
مذاکرات نمایندگان مجاهدین با ابوجهاد
دانشگاه و انقلاب

سال اول (شماره ۸) - دوشنبه ۲۷ ماه آبان ۱۳۵۸ - شماره ۱۵ ریال

گزارش و تحلیلی از جامعه انزلی

خبرگان در ترازوی داوری

آیا انتظار دارید به مواردیکه پدر خالقانی نیز برای مخالف داده، مردم رأی مثبت بدهند؟

موضع ما درقبال مسأله قانون اساسی از آغاز برای همروشن بوده است. ما به هیچوجه نمیتوانستیم این استدلال را که بدلیل کمی وقت و طولانی شدن بحث ها " مجلس نوظهوری بنام خیرگان" جانشین مؤسسان گردد، بپذیریم. تصویر قانون اساسی بانظر این تعداد اندک در هیچیک از انقلابات نیز سابقه نداشته. بخصوصی که روشن بود که اکثریت قریب به یاقان همین تعداد نیز با مردمهای حزب و قشر بخصوصی خواهد بود. مهمتر از این اصولاً " چگونه میشد در شرایطی که هنوز امپریالیسم و پاپیگام های داخلی اش ریشه کن نشده اند، به تدوین یک قانون اساسی انقلابی و پرمی و دقیقاً " اسلامی دست بازید. مگر نه این است که در فضای موجود هنوز هم بقایای نظام وابسته آریامپریالیسم مختلف همچون میزند؟ پس چگونه میشود در فضای که هنوز از زمستان امپریالیستی و دیکتاتوری واپی شده بذر قانون انقلابی را بپاشد؟ و آیا تنه زمستان حاکم این پدرها را مخدوش و خراب نخواهد ساخت ... ؟ ... بفرحال حاجتی به قیمت خوردن بر چسب های از قبیل " فیدوناتو و فیدوناتو" انقلاب ... کفتم که ... اولاً: آنچه در دیدنی خواهد بود میباید که در وقت طولانی شدن بحث ها بلکه حق کشی و انداختن مطالبی اقتضای است. گفتم ما را، خواستها و ضروریات حیاتی سایرین را نادیده بگیرند. ثانیاً: از چنین خبرگانی که باید ثلوثی و آریان حاکم بر آنها بیشتر از ثلوثی خود سرمایه داری راست میباشد و تعالیم راست. چندان خبری بر نخواهد داد. خاست. چرا که: سالی که گنگوستاز بهارش پیداست. جمهوری اسلامی آری، سوء استفاده ارتجاعی از اسلام هرگز!

به چند سطر زیر از نامه مورخ ۱۷ مرداد ماه ماهنامه که در چهارمین روز بعد از انتخابات خبرگان نوشته شده توجه

اگر حقوق صنفی صیادان را قبول نمیکنید، حق هم ندارید با گلوله و سلاح بانان پاسخ دهید

راه های بیان خواستهای مردم را سد نکنید و شیوه های مسالمت آمیز را به بن بست نکشاند

تا که بلحاظ وجود انواع ماهی بسیار غنی است، از جهت اقتصادی نیز همواره یکی از منابع اصلی درآمد و وسیله تغذیه و گذران مردم کتاره های خزر بوده است. در نتیجه مانند سایر منابع ثروت طبعاً " مسأله صید شمال بعنوان یک وسیله عارت مورد توجه خود داری کنند. دوروز قبل از پایان میلست تعیین شده صیادان شرکت تعاونی یادشماره قبلی شیلات شروع به صید ماهی میکنند. صیادان آزاد برای امتزای به این عمل از کار شیلات جلوگیری کرده، و در حالیکه منتظر نمایندگان خود میباشند، مذاکرات ایشان بودند با کامیون حاصل ماهی صید شده از جانب شیلات مواجه میشوند. اینان ضمن امتزای به نقض " تعهد" خود داری از ماهیگیری " ماهی ها را بین مردم تقسیم میکنند. پاسداران ستر در شیلات حاضر به خنوتی نیستند. شیلات از پاسداران انزلی کمک خواسته و پاسداران امرای، تحت تاثیر جو تحریک آمیز شیلات، برای متفرق کردن مردم صیادان بتبرانداری میباشند. این جوانان بگفته شدن دوسواد و جرح و جرح شدن تعدادی دیگر خارج از حد و خارج سب حتم صیادان شده، و منجر به انتن کشیدن چند تا تومبول و قسمتی از ساختمان شیلات میشود. بعد از این واقعه شورای امنیت شهر تصمیم به خروج پاسداران از شهر میگیرد. اما بنا به طلی که ذکر خواهد شد از سوی ما تصمیم گرفته میشود که پاسداران در شهر باقی بمانند. نظاره های روز بعد حالت گسترده تری بخود میگردد. جو انفجار آمیز تر میشود. چندین نفر کشته و در حدود ۵۰ نفر زخمی میشوند. در این واقعه نیز در جریان آزار پاسداران از رشت هم پاسداران کشته میشوند.

مهری در پاری و شهر پاری شهر در خلال این دوروز خود را کنار کشیده و اغلب ناظر بودند.

نگاهی به تاریخچه شیلات از آغاز تا پیروزی قیام شرح خواهد شد در کتبی های عین انزلی که در آنجا حدودی به روشن شدن جریان امر کمک میکند. ولی برای پی بردن به علل آن و روش های سیاسی مختصراً به سوابق تاریخی مسأله اشاره شود. آبهای ایران در شمال علاوه بر

انقلاب چیست و انقلابی کیست؟

ضرورت تعیین مجدد مرز انقلاب و ضد انقلاب در شرایط بعد از پیروزی قیام در مکتب توحید زوال طبقات استمارگر، حاکمیت مستضعفین و تحقق قسط

دارند ۱۱ - از این مفاصل فریاد طلب و طلوع الحال کمک در پی، بزوی بر می خیزم و اقامت قیام مخالف آن، یعنی ضد انقلاب روشن نیست. بطوریکه این افراد علی رقم بدافتشان، بسادگی دست مرتجعین و انحمار طبلان سرکوبگر قرار میگیرند. و بدلیل ناگامی آنها استما کمال حسن نیت - حاضر میشوند و نقشه ها و توطئه های مرتجعین را جاه عمل میبندند ۱۱ همچنین که دست خیرچندان متعاضت میبندند، چرا که سعی در متعاضت استمارگرانه مرتجعین ندارند. از این رو در صورتی که به آنها کاهی داده شود، فریب ارتجاع را نخورد و با آن هم صدا بخوانند.

مرز انقلاب و سازش در دوران دیکتاتوری

الته در دوران رژیم ضد خلقی شاه، بخصوص در اوج عقان دیکتاتوری که اکثر کسب جرات ندان کشید داشت. مرز انقلاب با ضد انقلاب، و نیز با ارزش بقیه در صفحه ۶

مباحث ایدئولوژیک

اهمیت شیوه های مناسب و اصولی در مبارزه انقلابی - مکتبی

در شماره قبل کتیم کاما ملی (ع) در مقابل راههای انحرافی راست روانه و چه روانه در " طریق الوسطی " کامبر - سیدارد، یعنی راه انقلابی و اصولی کار را یک طرف مرحله ای بودن کار را در نظر میگیرد و از طرف دیگر فضای را بطور قاطع حل نمیشاید. اکنون برداشتهای خود را از این خطبه دیالکتیک میکنم: راستروی و چهرویی در حقیقت چیزی جز گریز راحت طلبانه و ساده اندیشانه از مشکلات و موانع نیست. حال آنکه در یک سطر اصولی و انقلابی (طریق الوسطی) با تضادها و مسائل بطور همه جانبه و واقع گرایانه و علمی برخورد میشود. باید کردن خط اصولی در شرایط مستلزم تحلیل مشخص از آن شرایط است. از اینرو کسانی که شناخت درست و آرزوهای

چه کسانی به شایعه وجود اختلاف و انشعاب در سازمان مجاهدین خلق دامن میزنند؟

فندان یک جهان بینی و ایدئولوژی که از عمق و حقیقت برخوردار باشد، عامل درجه اول جناح بندی و انشعاب است

در پی شایعات مربوط به وجود جناح بندی در درون سازمان مجاهدین خلق ایران، ما با درامان موسی خیابانی، گفتگو نمیشیم. متن زیر نتیجه این گفتگو است که در دو شماره آن را منتشر میکنم:

سؤال - بنظر شما منشا و مبداء این شایعات چیست؟ جواب - همانطوریکه اشاره کردید چنین شایعه ای بطور خیلی گسترده ای مطرح شده، و بخصوص به از تخلف ستاد مرکزی جنبش ملی مجاهدین و سبب بدان دامن زده شده است. البته این اولین بار نیست که شایعاتی بر علیه سازمان ما پراکنده شده است. ما در روزهای اخیر در پی یک نبرود و جریان انقلابی از روشهای شناخته شده جریانهای انحرافی و ارتجاعی است. منتها روش و سنت ما این نبوده و نیست که در هر موردی در مورد توضیح رونق اتهامات وارد شایعات خود باشیم. چرا که این به اصلاح دهن به دهن شدن با عناصر و جریانیهای مغرض موجب هرز رفتن نیروها و انرژیهای بقیه در صفحه ۶



نژادش از ماها مبارزه و همبستگی کارگران کارخانه تکنوکار

بر کارگران زحمتکش ما چه می گذرد؟

کارگران: وزارت کار فکر میکند ما مبارزه با کارگران برای این بود که شاه فرزند ولی فواید شاهنشاهی بدست عده ای دیکه را اجرا گردد!

نگاهی به شرکت و تاریخچه آن:

شرکت ناسباتی تکنوکار ۲۰ سال پیش با سرمایه ای عادل ۲ میلیون تومان در کارخانه مخصوص کربن گرافیت شروع کرد. بارشده نظام سرمایه داری و وابسته افزایش سفارشات تابلومازی کارکنان تکنوکار...

مشتري عده شرکت تاکنون ارتش مخصوص نیروی دریایی و چند سرمایه دار از جمله هدیش راسکو (سرمایه داران صهیونیست) بودند.

مصادره اولیه شرکت از آلمان فدرال تهیه میشود، و معمولاً " کارفرمایان " اینک پروژهها متعلق به دولت است. این مبادرا شامل مناقصت گمرکی میگردد است اکنون بیش از ۲۰ میلیون تومان مبادر اولیه در انبار تابلومازی موجود است.

توطئه های رنگارنگ کارفرمایان تعطیل کارخانه

در کارخان فعالیتها، عوامل کار - فرما میکوشیدند که وحدت کارگران را در هم گسختند. یکبار به بهانه اینکه چند نفر از کارگران سربازی نرفتند و دیگر بهانه ها کارگران نرفتند و...

کارخانها و تعطیل کارخانه و ورور می شوند. ولی همچنانکه در اطلاعیه شماره ۱ کارگران آمده " کارگزاران در جریان قیام باادگانسای ارتش و شاه مزدور ارتش کردند...

ای نخست وزیر و وزیر کار نوشتند: " با توجه به اینکه تمام کارگران درسی کار هستند، و دولت موظف است که به آنها کار بدهد. اعلام میکنیم که با تعطیل شرکت تکنوکار خانواده ما بیایماند میباشیم...

لی راپیشی کارگران نیز با انتشار نامه ای ادعای دروغ را افشا کردند:

برای انقلاب آری برای کارفرما هرگز در ادامه مبارزه خاطر کسب حقوق حقه کارگران شورای تکنوکار تصمیم نگرفتند. کارگران ۴۸ ساعت به ۴ ساعت در هفته گرفت که کارگران بلا درنگ آن را اجرا کردند...

اتحاد شوراهای واقعی کارگران سرانجام در نیمه های شب کارگران مورد هجوم قرار میگیرند.

مورد هجوم قرار میگیرند. و این در حالی است که...

قراردادی مبتنی بر مافوقان کارخانه و تخمین ادامه آن از طرف وزارت کار نوشته میشود. ولی وزارت کار حاضر به این نمیشود. حتی نمایندگان این میگویند: " کارخانه متعلق به کارفرماست - می تواند آید بفرودش، و با پول آن تخم مرغ بخرد، و همه را بپورزد و بشکند! "

دو کتبه میکنند

کارگران تازه میباشند که این حقها جدیدی برای شکستن تخمین آنان بوده است. لذا روز شنبه هفت سپتامه بدعوت مرکزی تکنوکار رفتند و همه با هم حاضر با خود به محل کارخانه می آورند. و اعلام میدارند که ماطلوم شدن وضع شرکت، به آنها اجازه خروج نخواهند داد.

اتحاد شوراهای واقعی کارگران سرانجام در نیمه های شب کارگران مورد هجوم قرار میگیرند.

مورد هجوم قرار میگیرند. و این در حالی است که...



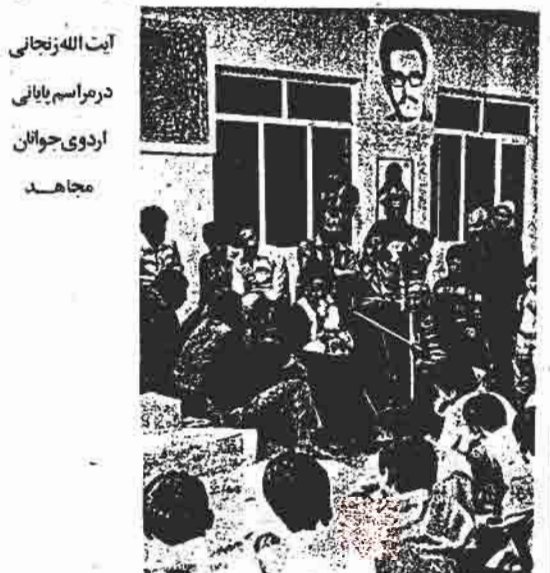
کارگران در حال مذاکره و بررسی اسناد در جلسه شورای کارگران

بوده که کارگران تکنوکار در روزهای قیل مورد حمایت شوراهای هزاران نفر از کارگران قرار گرفتند. تا آن موقع شوراهای جهان جبهه با همندگی فرانسوی روغن نسائی جهان، تولید کننده کربن خالص دیگر متراکبا " ششماینی خود را از تکنوکار با اعلام داشته بودند.

کارگران هستند، و باید اخراج شوند، و در غیر این صورت کارخانه میخوابد. وزارت کار نیز از کارفرما حمایت کرده، و به گفته کارگران حتی یکبار مسئول آن وزارتخانه شوراهای اتحادیه میگردد که " مالیتت را خلاص کن - ما خود داریم. و اگر شما اصرار اخراج نکنید ما خودمان اخراج میکنیم.

گزارش بابان اردوی سازندگی جوانان مجاهد در روستای " آنگان " با تحمل رنج زحمتکشان عشق به توده ها را در خود مستحکم تر سازیم (از پیام اردوی سازندگی)

پس از پایان گرفتن کارهای سازندگی در آنجا، این رهبران بزرگ خداستار نشجویان امرای جنش ملی مجاهدین کارخانه ایستادند. پس از نماز بنیانگذار در روستای آنگان، مراسم افتتاح پل نهفت مقاومت فنس تأکید بر ضرورت عمل حاضر حضرت آیت الله سید محمد رضا زنجانی بنیانگذار نهفت مقاومت و بیار صدیق مرحوم مصدق و در طالعانی برگزار شد.



آیت الله زنجانی در مراسم یابانی اردوی جوانان مجاهد

علاوه بر روستائیان زحمتکش، و دا- نشجویان سلمان در این مراسم مادر و پدر رضایحسان شهید و ضحمتیان ملی و مذهبی از جمله آقایان شانجی نماینده دفتر در طالعانی، حاج بوسی شیرازی دکان از متدین بازار، علی حاج بابائی ابوالفضل قاسمی (دبیر کل حزب ایران) کسلبان و استادگنجهای شرکت داشتند.

در این گروه آمدی بعد از پیام مادر- مای ها و سخنرانی استاد گنجه ای نماینده روستائیان ضمن خیر مقدم به شرکت کنندگان از جوانان مجاهد سپاسگزاری کرد. آنگاه نماینده کوهنوردان طرندار مها - هدین خلق بیامی خطاب به گروه نشینان ترافکت کرد. هنگام ظهر جوانان انقلابی و روستائیان در صفوف رانجا حتی به امامت آیت الله زنجانی با دیگران مسدق و

کارگران متحصن کارخانه تکنوکار

کارگران متحصن کارخانه تکنوکار

تفاوت شوراهای دولتی و شوراهای پیشنهادی 'پدر طالقانی'

شوراهای هماهنگی باری بر دوش کارگران و زحمتکشان

هنوز جهل پدر طالقانی نشده بود که دست یگانگی شوراهای با محتوای غیر ازانچه او فریاد میزدند...

واضح است که شکل اخیر بر خلاف مفاهیم واقعی شوراهای، تنبلی برای فریب مردم و فرار از ترک فشار...

معنی شوراهای سیرند کار مردم خودشان، ارج نهادن به قدرت تصمیم گیری توسط آنها...

در روزی خالی کردن محتوی و حتی قلم کردن آن سپردن به باندکی سامعه میتوان - مثال اطلاعات ارضی شاه...

این جوهر در اشکال مختلف با رزومنتلی میگردد و فرم خاص خود را در موارد مختلف پیدا - میکند...

مهر و محبت و شفقت انبیا بدست خودشان می باشد... شورا یگانگیات جوهر مفهوم شوراها شرکت دادن شده...

شوراهای حق تصمیم گیری ندارند چنان که به تصویب نامه دولت دربار، شوراهای روشن شده...

گره مانند تصور که در اول بختنا آمده منظور از مدیریت وگرداندن کمی موثره درجهت منافع جامعه یعنی همین - شوراها است...

اتحاد شوراهای واقعی کارگران در برابر سرمایه داری وابسته و بقایای نظام استعماری بزرگترین ضامن تداوم انقلاب است

غیبه ها غریب نیستند تا خدا میرایلم حضور می یابد چرا که دیگر کسی ندارد...

مادر رضائی ها: فرزندان شهید امام احمد در کوهنوردی از آبگین و سیرهای عبور میکرد که امکان تماس با رنجهای مردم محروم را داشتند...



گام خاص (کسب و محمول به مزاج خلق دارد و لولایکه زمین آن را غصب کرده باشد) - ادامه کار کمی امکانات، کربا، دهان روز و فشار بر زمین...

ما در مملکت تا هفتاد هشتاد سال پیش همگانی آزاد بودیم... این طرح چیزی که متخلف نشده همین ویژگیهاست...

انتخاب میشود تا جایگزین ما بعد از او داشته باشد اما... دارد که کارفرما را با توجه به نتایج فوق الذکر...

بازرسی پرورش کارگران و زحمتکشان

هر چند که خطوط کلی این طرح مشخص است ولی با تعیین اشکال خاص اجرائی آن در شوراهای مختلف تفاوت خواهد بود...

از پوسه گردوی بی مغز کاری ساخته نیست

شاخه آتوقتی که پدر طالقانی حامی مستضعفین ایرانیان تمام مردم دنیا را در ایران می گفت...

خاطراتی از "پدر طالقانی"

بقیة رصفحه ۷

غذای پدر
شب حدود ساعت ۱۱ پدر
بعدا زیک بعد از ظهر بسیار رطوبت
ویرکا زدند دفترشان را ما را در
خانه بر سر سفره، نام پدر رفتند
چند نفر سان، مقداری پنیر و
سبزی و اگر درست یادم باشد
چند قاقا هم خواندند، خودشان
شروع کردند به خوردن و به ما
هم گفتند بخورید!
ما گفتیم: آقا شام شما هم
همین است؟
پدر فرمود: چطور شما چیز
دیگری میخواهید؟
و نگاه قبل از اینکه ما
جواب بدهیم، یکی از اهمل
مسول را صدا زدند و گفتند: چیزی
دیگری در خانه نیست؟ بعد از
میدلطفه یک مدتی بعد گفتند
کوچک که معلوم بود از پدر در
خیال خانه ما ندهی این اطباق



پدر طالقانی در مجلس خبرگان و آنرا تکمیل میکند!

گزارش و تطلبی از فاجعه انزلی

بقیة رصفحه اول

ما به پدر گفتیم: آقا ما
برای خودمان نکندیم، بلکه
برای خود شما پرسیدیم که ما
این سن و سال و این همه کار
این شان همین است؟
پدر فرمود: خوب ببله، پس
چه؟
بعد هم هر چه اصرار کردیم پدر
کثرت را نخورد، و بهما اصرار
مقابل به ما خوردند، و وقتی
دیدیم وضع این طراست موقع
خدا حافظی، در راهرو منزل به
آقا مهدی و حسین آقا پسران آقا
چریان آقا گفتیم که: این چه
وضع نام برای آقا است بیجا
این همه حسنگی و ضعف مزاج،
پسران آقا گفتند: ما چه کنیم
ما برای آقا ما ضمیمه هر چه
بخواییم یکسیم، خودشان
نمی گذارند و آقا زار نمیدهند.

مخالفات شیلات با صیادان بعد از قیام
با این نگاه مختصر به وضع صیادان
میتوان به علل قیام و مبارزه این توده
تحت ستم بی برد، توده های که بارها در
رژیم سابق نیز برای بدست آوردن حقوق
اولیه خود بجایات و در مقابل محرومیت
از برزگرین و فسادت های بنام زنده گری
همان صیدنتی است چاره ای جز قیام
نداشت، در جریان انقلاب نیز صیادان
می اندیشیدند که با استقرار رژیم جدید
دیگر محدودیتهای ظالمانه ازین خواهد
رفت، و در عمل نیز با زمین رفتن فشار
رژیم سلطنت، دست صیادان برای
ماهیگیری باز شد، ولی بزودی به ضرورت
وجود ضوابطی برای ادامه کار خود بسوی
بروند، افزایش زمینهای بیکاری و هجوم
عده زیادی برای صید سالانه صیاد -
شناسی و لزوم صدور کارت صید برای
صیادان حرفه ای مطرح گردید.
بسیار که هیچکس با اندازه صیاد به

در حاشیه مجلس خبرگان

رد "نظام توحیدی" نقض آشکار میثاق خونین شهدای انقلاب

پیش ببرند از یکی دوسه سال
پیش آمدند که نظام توحیدی
را اختراع کردند...
گروایان بهترین پاسخ در
برابر این مزاج ارتجاعی
ما موشی و سکوت است، ولیکن
تا چا رژیم برای آنکه معلوم شود
چه کماشی فی الواقع موم قریبی
می کنند، متذکر شویم که ما
جامعه توحیدی و عاری از استثمار
و طبقات را نه از یکی دوسه سال
پیش بلکه از زمانه "واحد آئینه
پیشری که از ۲۰ سال پیش رابطه ما
هوازه همین پیشوای انقلابی
تشیع سما وعده داده شده، ملهم
گشتیم، ما این جا همه باغصوبیات
زیر منشی می شود:
۱- خدا کثر شد ملیت یکدیگی
و بهر چه کبری از مواهب و ثروت های
طبیعی و موصول به یکسانی و -
حیات اقتصادی - اجتماعی خود را می
خواهد، و اینجاست که باید سالتکسان
های رنج کشیده ای که تکرار سرمایه شان
کار نیست، بزمه، "دیگر اولویت پیدا
کند، اولویت سالانه صیاد مستکن بر
صید، و ترجیح دادن ما مگر سر در ده
به مایه و مقدم داشتن زندگی و حداقل
سعیت مردم بر ضوابط و مقررات، ما بارها
این واقعت را یافته و بر تهاجم که تا -
بسته تر از خود کارگران و صیادان در مورد
سائل کارگرنشانی و محیط کارشان کسی
نیست و نیز خود آنان از توانایی را
دارند که بهترین راه حل را در جریان کار
زندگی شان بیابند، خود چاره آرا -
مشکلاتی که مواجه شوند.
در این میان سلطنت عناصر کثا
تجره مند و فتنه از توده مهادت حرکت
آنها در مسیر بر آوردن خواسته های برج
ایشان در چهار چوب کلیت فساد اصلی -
بمفاهت، روشی که توسط همین مردم
در جریان انقلاب برای آنان برای حل
لیت جامعه از جانب نیروهای مردمی
ارائه شد، تشکیل "شوراهای مردمی
است که برای حقوق آن باید تسهیلات
لازم را فراهم ساخت، راه حلی که صیادان
بند از انزلی نیز در صد تنگنای آن بودند
ولی بجای تأیید و تشویق با کارگرنشانی و مانع
روبرو شدند، "شوراهای مرکب از همه
صیادان آن صنف که تصمیم با هیئت
صناعت اجرایی پیدا کند و قدرتی فانی
را به خود ایشان بدهد، تا زمانیکه مقامات
دولتی اعتمادی خود نسبت به مردم و انکار
فرا بیست و پانصد تنه بد نظر کنند، همچنان
در این چنین فاجعه ای غواهم بود.
فجایه کیمین آن مردود که در تاریخ و انوشانی
"جنایت" یاد شود، تا معتروا با انوشانی
الایهار!

شورای امنیت شهر تصمیم به خروج پاسد-
اران میگردد، آیتضربان تصمیم واعزام
بایداران کنی، محرک و موجب هوپهای
ریخته شده روز بعد نیست؟ تاکی باید به
آگاهی توده های مردم کم سهاداد؟ چرا
باید وقتی توافق شد که ما سها سها سها
انزلی خارج شوند بجای اجرای آن پاسداری
مردم مواجه با عزام سها سها سها و تهران
شوند؟ آیا میتوان حقوق توده های محرومی
را که حالا دیگر آگاه شده اند، با پایا کرد
و پس از آنها انتظار تنگین داشت؟
ماهیت فاجعه انزلی
خواست صیادان انزلی، مطالبه
حقوق و سماله ای صنفی بوده، که تحت
هیچ شرایطی برخوردار نشوند از آن
موقع نیست، زحمتکشانی که بعد از سال-
های دراز ستم و فشار اقتصادی، خواهان
شرایط بهتر و تجدید برای زندگی و کار
هستند، در انزلی با شیلات بعنوان عامل
تنگنای خود خواجه روردر رویند، آسا
با این تحریکات یک ساله صنفی از تبدیل
به یک ساله اجتماعی - سیاسی گریز،
و منجر نمودن شهر از طریق رومسائل
خوشنوت های ناچها، اشتباهی به خشونت
است؟ اشتباهی که پاسداری هوپها را
مستقر در شیلات در روز ۲۲ مهر مرتکب
نشدند.
پاسداری صنفی کشف و سلطنت خود
را در قبال خلق تشخص دادند و نمیتوان
نمونه پاسداری در مقابل جمعیت صیادان
مترش سلطه خود را به مشانه برادری
و نگاه به آنها تحویل میدهد و حاضر به
برادر کنی نمی شود، صیادان نیز با
پوشیدن پاسداری سلطه را بپوش داده و
میگویند ما هم برای جنگ به اینجا
نیامده ایم و بدین وسیله ثابت میکنند
که خواست خشونت نیستند بلکه فقط
برای مطالبه حق خود آمده اند.
اما شیلات که متاعش در خطر
افتاده از پاسداری دیگری کمک میگردد،
و منجر تحریکها فاجعه را میآورد، و
اینجاست که باید به همه متولین و
دست اندر کاران متداران درگاه که متقد
به ادای حقوق کارگران و زحمتکشان
نیستند، فراموش نکند که تعرض به حق
حیات و زندگی زحمتکشان نتیجه ای جز
انفجار جامعه بدنتال نخواهد داشت.
برخورد واقع بینانه با سالف انزلی معانی
که خواهند بید کردند تحریکهای امروزه
میدهد، و آن اینکه اگر قدرتی میخواهد
مردمی مانند پس نمیتواند خواسته های
صنفی مردم را با سالفه پاسخ بدهد حتی
اگر آن حق صنفی و برای مردم به رسمیت
نشناسد، اما این تکبر هم از یاد نباید
برد که اگر ماحق صیادان را به رسمیت
نشناسیم طبیعتی ترس حق آنان را که حق
زندگی کردن است زیر پا گذاشته ایم.

شوراهای مردمی تهران را حل

وقایع اخیر انزلی برای چندین سبب
بار ساله ای را مطرح ساخت که نتیجاً ساله
صیادان و شهر انزلی نیست، سالفاتی
خلقهای تحت ستمی است که بهر استتار
سالمیان دراز را برودن دارند، حل آن
نیز به صورت شعار بلکه در نظر گرفتن
آن منزله، یک واقعت امکان پذیر است،
واقعت وجود خلقی استناده که حق
حیات اقتصادی - اجتماعی خود را می
خواهد، و اینجاست که باید سالتکسان
های رنج کشیده ای که تکرار سرمایه شان
کار نیست، بزمه، "دیگر اولویت پیدا
کند، اولویت سالانه صیاد مستکن بر
صید، و ترجیح دادن ما مگر سر در ده
به مایه و مقدم داشتن زندگی و حداقل
سعیت مردم بر ضوابط و مقررات، ما بارها
این واقعت را یافته و بر تهاجم که تا -
بسته تر از خود کارگران و صیادان در مورد
سائل کارگرنشانی و محیط کارشان کسی
نیست و نیز خود آنان از توانایی را
دارند که بهترین راه حل را در جریان کار
زندگی شان بیابند، خود چاره آرا -
مشکلاتی که مواجه شوند.
در این میان سلطنت عناصر کثا
تجره مند و فتنه از توده مهادت حرکت
آنها در مسیر بر آوردن خواسته های برج
ایشان در چهار چوب کلیت فساد اصلی -
بمفاهت، روشی که توسط همین مردم
در جریان انقلاب برای آنان برای حل
لیت جامعه از جانب نیروهای مردمی
ارائه شد، تشکیل "شوراهای مردمی
است که برای حقوق آن باید تسهیلات
لازم را فراهم ساخت، راه حلی که صیادان
بند از انزلی نیز در صد تنگنای آن بودند
ولی بجای تأیید و تشویق با کارگرنشانی و مانع
روبرو شدند، "شوراهای مرکب از همه
صیادان آن صنف که تصمیم با هیئت
صناعت اجرایی پیدا کند و قدرتی فانی
را به خود ایشان بدهد، تا زمانیکه مقامات
دولتی اعتمادی خود نسبت به مردم و انکار
فرا بیست و پانصد تنه بد نظر کنند، همچنان
در این چنین فاجعه ای غواهم بود.
فجایه کیمین آن مردود که در تاریخ و انوشانی
"جنایت" یاد شود، تا معتروا با انوشانی
الایهار!

معرفی کتاب: "درباره جناح بندی"

از انتشارات سازمان مجاهدین خلق

این کتاب از دیدگاه ایدئولوژی توحیدی، تحلیل و تبیین مسأله جناح بندی در سازمانها و گروهها پرداخته و جزئیات تئوریک کتابهای آموزشی - تشکیلاتی سازمان میباید، مسأله جناح بندی عمدتاً در سازمان مجاهدین زمانی مطرح گردید که ضربه خائفتان اپورتونیستها در سال ۵۴ شهبات عمده و زبانی را در اذهان توده مردم و اکثریت اصفا مطرح گرداندیم. و این شایعات تا بدانجا قوت یافته بود که حتی در مواردی از وجود دو جریسان متفاوت فکری در سازمان اذهان ابتدای تشکیل، نام برده میشد (تضاد شهید محمد حنیف نژاد و محمد حسن).

همانطور که در توضیح پیرامون انتشار جزوه حاضر آمده، در این ایام انبوه فشارهای ارتجاعی و کنشهای راست گرا - پانۀ برافشا، سازمان مبتنی بر تفکیک و معضلهای درونی میرفت که با شکل دادن به جناح بندی جدید، متلاشی شدن سازمان را هر چه عمیقتر و گسترده تر کرد و بیرون آفکای آن را بکلی امکان ناپذیر سازد. از سوی دیگر تحلیلهای یک - بندی مادی که از "وجود" و "آینده" سازمان میشد و مطابق آن جناح بندی و تجزیه را جز "لایتنک" و ماهوی سازمان معضلهای درونی مسأله را برای سازمان جدی تر کرده و تشابه بود که ضمن بررسی روش های جناح بندی و تطبیق آن با وضع خاص سازمان پاسخ در خور ایدئولوژیک خود را بمسأله بدیم. کتاب موجود در یک مقدمه و چهار فصل تدوین شده است.

در مقدمه ضمن طرح اهمیت و اشاره به نمونه های تاریخی جناح بندی در سازمانها، تعریف جناح بندی را که مبارزه است از "دو جریان متفاوت و بدو - لوزیک در درون یک تشکیلات واحد" تعریف میکند. فصل اول به سه موضوع مهم ۱- اساس فکری ۲- زمینه های اجتماعی ۳- منشاء انسان شناسانه (فلسفی) جناح بندی میپردازد.

اساسی یعنی جناح بندی در واقع همان تانوی عام حاکم بر حرکت مادی یعنی تضاد است. یعنی چنانچه بخواهیم جناح بندی را بفهمانیم دیالکتیکی بیان کنیم، جناح بندی شخصی تضاد های درونی "سوسی - ایدئولوژیک" یک سازمان است، که در مسیر رشد خود به جریانهای تشکیلاتی حلیلی تبدیل گرد - میبندد.

از دیدگاه جامعه شناسانه جناح بندی مظهر و بازتاب تضادهای اجتماعی است و از آنجا که این تضادهای اجتماعی نیز بین وجود تمایلات و طبقات گوناگون و متضاد اجتماعی است بنابراین هر یک از جناح های موجود در سازمانها نیز نشان دهنده مستگیری طبقاتی خاص است. در پایان این فصل "برای عمق بخشیدن به شناخت هایدمان در این

آسمان شعر کوچک من

یادش بخیر آنروزهای قدسی ایثار
چهبیدریخ، شیناه و خون و فشنک،
به هم هدیه میگردیم،
هنگامیکه آمبولانسها
تنهای زخمی عزیزان را
در گذرگاههای شهر آژی بر می کشیدند،
چه بیدریخ، سقره دلها مان را برابر هم می گستریم
چه بیدریخ می گریستیم،
و آوازهای یگانگی مان چه پرشکوه بود.

در فصل دوم به بررسی توحیدی مسأله جناح بندی و نحوه برخورد با آن پرداخته شده است. در این فصل مباحثی از قبیل وحدت ایدئولوژیک چیست و چگونه ایجاد میشود؟ معیار برتری ایدئولوژیک و اینکه چرا سازمانها و احزاب خرده بورژوازی و بورژوازی قادر به وحدت ایدئولوژیک - فکری نیستند مورد بحث قرار گرفته است.

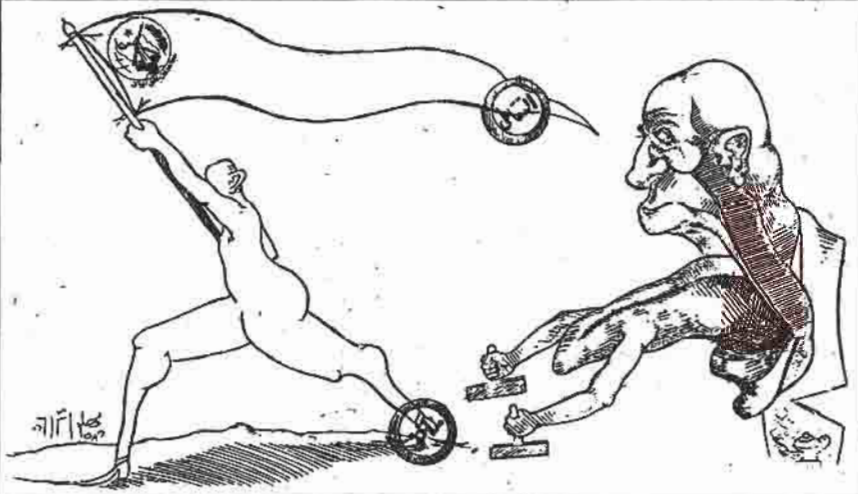
در فصل سوم وظیفه ما در قبال جناح بندی و اسلوب برخورد با آن شرح داده و ضمن دادن رهنمودهای عملی برای مبارزه با هر گونه جناح بندی تشکیلاتی به فصل چهارم "انسان طراز مکتب و انسان تحت نظام" میپردازد.

و بعد از تشریح و توضیح مسأله تعریف انسان طراز مکتب میخوانیم "مکتب توحید، اعضای یگانگانی، طراز مکتب خود را با معیار بازگشتن از خود گذشتگی (خروج از خود جسمی و روحی) طبقاتی = جدا که معادین عملی یگانگی کامل با خدای یگانگاند، شخصی نموده، و از انسان های تحت نظام مجزا و ستار میسازد. باله ایم از این ندای توحیدی ما نیز برای حمل "امانت" ایدئولوژیک توحیدی خود به چنین ویژگی نیازمندیم پس بگوئیم تا "انسانهای طراز مکتب" گردیم.

افول ستاره تپاهی را،
چهموسانه
دل به با تو نظار می سپردم
اما اکنون
چنان شده است که در صداقت همه
هرمان دیروز
شک گردفام من
ژ می بیندارم
چگونه است که هنوز،
در هنگامه بلوغ این سیزدهگان پیروز،
مردان فرزانه، این خاک خونالوده را
به بندی می کشند
تا زمزمه کلام آزادی را
زهر در گاشان کنند
چگونه است،
که در سپیده صادق این صبح پا به راه،
دروغ در هیأتی زشت و منحوس دیگر یاره
تجسس می شود
ستارگان از مخروبه های انزوی خویش
آوازهای شادمانی سر می دهند
و قفق فولادین زندان باری عزیز

آسمان شعر کوچک من می شود
چگونه است که هنوز،
سینه چاک پیرو فریب سوداگران پیر
معیار قضاوت محراب های عدالت میشود
و تاراج خون شهیدان فصل سرخ
هیچکس از مردمان لب به اعتراض
نمی کشد؟
همه حکایت این است همراه
در پویائی راه های پرشکوه و آزار
مردانی هستند که از بازارهای حراج ایمان
به سر بلندی گذر میکنند،
مردانی که نماز عشق را
وضو با خون خویش می گیرند
مردانی که شهادت به رهائی انسان
می دهند
دروغ و دورویی و تهمت را
با تفخیده های فتح مجاب می کنند
مردانی از تبار با بگ و منصور
مردانی از تبار تو همراه ...
"از ناصر حسینی"
تیر ماه ۵۸

از دیدگاه جامعه شناسانه جناح بندی مظهر و بازتاب تضادهای اجتماعی است و از آنجا که این تضادهای اجتماعی نیز بین وجود تمایلات و طبقات گوناگون و متضاد اجتماعی است بنابراین هر یک از جناح های موجود در سازمانها نیز نشان دهنده مستگیری طبقاتی خاص است. در پایان این فصل "برای عمق بخشیدن به شناخت هایدمان در این



(تقال)
گفتم:
که شب گذشت و سحر آمد
گفتا: شبی گذشت و دگر آمد
گفتم: که دیو رفت برهن گفتا
لیک از سرای شسته به در آمد
گفتم:
صدای ریش زنجیر است
گفت: از زبان (گود) خبر آمد
گفتم: مام ؟؟
گفت درود خلق
بر منجان نوع بشر آمد
گفتم: تقای بن از فردا
گفتا:
تنگ و خون و خطر آمد

عاشقانه های شهادت
دروغ های سرخ شهادت
تعلیل و اعتصاب
ما درس و مشق خویش را
در کوچه ها و خیابانها خواندیم
و بر حصار شهر نوشتیم آزادی
و در گلاس خلق خروشان
فریاد برکشیدیم
آزادی
اندر هجوم تانک و مسلسل
گلکهای نوشگفته پیر شدند
صدها ستاره پرهاک و وفاد
ما
دیدیم
هر کوهی را از زاری شد
آینده آینه
و آسمان پر از ستاره تابان گشت
فریاد برکشیدیم
آزادی
آنگاه خون از محله های جنوبی جاری شد
و آتش بر فراز محله علیا توفید
فریاد برکشیدیم آزادی

از خلق جان به گف نهاده و عاشق
بانگ رمای الله اکبر بر طراست
چون سیل میخروشد این خلق
دشمن به تنگ آمده
دیوانه وار سر میگوید بر سنگ
چون مرگ میبهراند دشمن
صد پادگان شکسته شده
صد گاخ سرنگون شده آینه گ
دیگر بار
آرابه وان تاریخ
حرف درشت آزادی را
بر سنگ فرش زمان
بالاله های بربر گشته
تصویر میکند
آنگ
خون رسم زندگی را
تقدیر میکند
گل داده خون سرخ شهیدان
خون غدیر - منصور - ابراهیم
خون قلام - ماندنی - صدرالله
گل داده شعله های آتش آزادی
این خون کیست ؟
این خون کیست که میجوشد ؟
این خون - قبهتی - است که میجوشد
خون - محمد - است

نگاهی به نمایشگاه "طالقانی و مبارزه"
این خون فتح و نصر من اله است
خون قبهله ستم و فقر است
خون خلیل
سردار زرنگه اسپران است
در روزهای سرخ شهادت
تعلیل و اعتصاب
ما درس و مشق خویش را
در کوچه ها و خیابانها
خواندیم
و بر حصار شهر نوشتیم
آزادی
اینک
بر تخته سیاه گلاس خود
با برگهای گل سرخ
شعر عزیز پیروزی را
تصویر میکنیم
وقاست بلند آزادی را
با آوازه های خونین
تحریر میکنیم
از: ج - پولاد
اسفند ۵۷
اسمعیلی که در شعر آمده همه
آرزوهای کاروان هستند که در جریان
انقلاب از اردوی زمکنگان شهید
شده اند.

نمایشگاه، ما را با مکشایی از دید فلسطین
در کار مبارزان فلسطین میبرد.
نمایشگاه، پاهای تاریخ و وحدت آن
هرراه با بدرنگ تصاویر و نقاشی به پیش
میآید. از جمله حوادث سالهای ۵۲ تا ۵۷
استقبال کرد موبد پدستان هجوم می آوردند.
و این بار نیز نمایشگاه "طالقانی و مبارزه"
بنیانست چهل بدر طالقانی با حال و
هواهی دیگره شراطی متفاوت در گنا.
بخانه مرکزی دانشگاه تهران از طرف انجمن
دانشجویان مسلمان دانشگاهها برپا شده
است. و از جنبه ۲۸ مهر الی ۲۰ آسمان
ادامه می یابد.
نمایشگاه با تصدیق ارزشناستامه بدر
طالقانی آغاز میشود، و سعی اش بر آنست
که با کمک تصاویری گوناگون صفحاتی چند از
شناخته و بیروگر و در عخان بدر طالقانی
این حماسه سترگ مقاومت را برای بیننده
به نمایش گذارد. در انجام این مهم نیز ستا
حضور یادی سرفی بوده است.
نمایشگاه "بدر طالقانی را با
تصدیری بزرگ از سال ۱۳۱۷ به نمایش -
یاندوان زمانی است که بدرچرم تو -
همین به مقام سلطنت به حبس افتاده است،
نمایشگاه سالهای حکومت رضاخان را
نشان میدهد، دوره تکستن قلمها و بریدن
زمانها، دورنگشها، حبس کردن نفسها
در پندنها و عقابان و سلطه فاعسیم پهلوی.
بدر در این میان همچنان شیری خروشد
سین سالهای بعد از سقوط دیکتاتوری رضا
شاء و آغاز فعالیتهای گسترده ایدئولوژیک
پدر و بعد سال ۱۳۲۵ سلر به فلسطین که
بفچه در صفحه ۱۱

پیام انقلاب الجزایر: یک ملت درست از همان لحظه که مرگ سرخ را برتسلیم مرجح شمارد، پیروزی اش مسلم گشته است

بقیه از صفحه ۹

که سیاست "صبر و انتظار" را تبلیغ می کردند. بدست سلطان عثمانی، حاج نواز اهلای زومانی هم روزولت بودند. بودند کسانی که انقلاب الجزایر را ماجرایی شستی چون کمکت تأثیر هرج ومرج طلبی و آتاریسم قرار گرفته اند، میدانستند و نیز کسانی که میخواستند در نیمه راه بسا استعمارگران کنار آمده و به "الجزایر فرانسوی" اکتفا کنند.

در همان حال کسان دیگری هم بودند که "اقدام به انقلاب بدون اجازه" را ممنوع دانسته و شورش اول نوامبر را خود کتی نامیدند. اما حمایت خلق از پیشاهنگ انقلاب - بی این باعث شد، آن صمیمیت قدری را که در باره آن گفتگو میکردند، بآن بدستی و شکست مورد پیشگویی و انتظار سازنگاران اتفاق نیفتد.

عملیات خودکشی، نهیم از یک هفته و نه پس از سه ماهه حتی پیرامین سال پایان نیافت. انقلاب الجزایر همه زد و بندهای احتمالی و محاسبات ذهنی را خنثی کرد. آری همان ۱۵ خرداد ۴۲ "ناحیه" نال فرموس را بگورسیدیم، همانگونه که شما بعد از گذشتن ۲۵۰۰ نفری کشت - نین به چنین مرحله ای رسیدید. ورتکنگی مبارزه پارلمانی تجربه لازمی بود که در دولت مابعد آن قربانی های بی شمار آن را بدست آوردند. تجربه مذکور این وهم و خیال را که گویا می توان کرد و از راه راه هدایت کرده و پوستین دراز نمودگی منتفی ساخت. و این فکرها که ممکن است بطور مسالمت آمیز استقلال و آزادی را بدست آورد، ایگروه و قطعاً از جا کاند.

همانگونه که جنبه آزادیبخش ملی پاسخ طبیعی به بن بست مبارزاتی الجزایر بود، سازمانهای مسلح و پیشاهنگ و از جمله سازمان ما نیز پاسخ طبیعی به این ضرورت در میهن ما بود.

و این هر دو ماحول و بیان تاریخی کلام خدا بود که: **كَلِمَةً مِنَ الْمَلِكِ بِعَاقِبَتِهَا كَلِمَةٌ كَثِيرَةٌ** ذن الله و الملك مع الصابرين " که به بسیار گروه اندکی که به پشتوانه عدالتی شان که همان را محرومان باشد بر گروهی پای انبوه ستکار پیروز شدند. آری جنبه آزادیبخش توانست خلق الجزایر را متقاعد سازد که توانا و قادر است خوبستن

جرا با انکار واقعیتی که هرگز قابل تکذیب نیست، ضرب و شتم های تحریک آمیز و امپراتوری زدایی

بقیه از صفحه ۱۲

لجوری رفتار میکنند که موجب اختلال در نظم و نهایتاً در تنظیم عقابن اساسی گردد، و هنگامیکه با نصیحت بردارنده پاسداران مستقر در مجلس می مواجه میشوند، چون پاسخی منتقدی و مستدل ندارند که بیان کنند، بی سرپیچی جبهه و قلم مسوم خود را در دست می گیرند، سرپیچند و قلم مستقیم به انقلاب می کشند بلکه با فرو کردن تیرهای سیاه و روزنامه ای چشم ملست قهرمانان و مسلمانی ایران، می خواهند اینطور و نمود کنند که مجلس خبرگاران به هیئت گران اجازه تهیه گزارش نمیدهد، هموطنان گرامی اکنون می دانند که هر طرف این جهت پانزده گویا که از هر طرف مستقیم با ضد انقلاب و چه در سترجامه شده است از چه جناحی تکیه بر تقویت می شود [۱]

اما پاسداران اسلام با صدور اطلاعیه همچنان به پیش می تازند، تا هر چه زودتر ریشه شگفتی ضد انقلاب را از هر کجا که پاسداز می برکنند و جامعه انقلابی را از لوث این امریمنان نقای افکن رهایی بخشد، در عین حال با پاسداران چنین انتقاری از برخی شریکات و روزنامه ها نداشتم که به گزارشاتی نادیده توجه ننمایند و اینگونه تبلیغات را دایمی بزنند. و ضمن اظهار تأسف از عملکرد برخی از خبرنگاران پویوز خبرنگار نشریه مجاهد که ادعا کرده بود به وسیله پاسداران مستقر در مجلس لگد کوب شده ما از این برادر خبرنگار نشریه مجاهد مدافعتی شوال میکنم، که اگر مدعی است به

تا موت الابنیش (مرگ سفید) را با آرامش مصفا استقبال کند، بخوبی می تواند با مرگ سرخ نیز که در ده ششتره دیده میشود، بدون ترس رویرو شده، و از شرف و حیثیت و امرف قدسی که نباید بدان تجاوز شود دفاع کند.

اسلام در الجزایر به نیروی تاریخی تبدیل شد تا ملت تحت سترا بهره رهایی رهنمون شود. توده الجزایری بزودی بصورت منبئی از اراده و انرژی درآمد، و برسان قدرتی ابراز وجود کرد که می بایستی بزودی بر ویرانه رژیم استعماری نظام مردمی خود را بنیاد کند. و در این میان اسلام بعنوان "عصب محرک" برای انقلاب، و در کنار عنصر عینی جامعه نقش مهم و تسریع کننده خود را نشان داد. و دستاورد فکری که با زبان واسلح کند به نیروی بدل شد. تا ملتی تحت سترا به راهی از قید استعمارگران رهنمون شود.

مذاکرات نمایندگان مجاهدین با بوجهاد بایستی در خطوط ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی قویا از امام خمینی پشتیبانی کرد

چهارشنبه ۲۵ / مه / برادران ما، بوجهاد و هیئت ساجدی فلسطینی ملاقات و مذاکره کردند. در این ملاقات علاوه بر بوجهاد، هانی لسانی و جاشن ایشان برادر عبدالقادر حصینی نیز حضور داشتند. خونین گذشته مجاهدین و الفتح محبت شوقی، انگیز سیاسی نمایان برای دینار حاکم گردید. چنانکه ابو عتار بارها خاطر نشان کرد، است، ما همیشه انقلاب و میهن و خلق خود را با فلسطینی یکی یافته ایم. به نحوی که آزادی ایران و آزادی فلسطینی هیچوجه نمیتواند جدا از یکدیگر تلقی شود.



تکامل انقلاب ایران در خطوط اصولی هائی بخش ضد امپریالیستی باز نموده، و از منحرف شدن این انقلاب در جهت های که امپریالیستها برخواهند آمدند، ممانعت خواهد نمود. در پایان برادران ما مجدداً "موانع شکر مجاهدین خلق را از دعوت ابو عتار، برای ایجاد جبهه جدید از جنوب لبنان و تکیه دل نظرها را بر یسویها اعلام و اظهار داشتند: که در نهایت خوشحوشی انجام آن را پس از رفع استتالات انقلابی امام حاضر، با اولین فرصت بعدی موکول کرده اند. و کوریه حتی النصر و این انقلابی است تا پیروزی

نگاهی به نمائشگاه "طالقانی و مبارزه"

بقیه از صفحه ۱۱
های پدر طالقانی قرار در صحنه بهاد میکنند. در اوایل کلام کار موزان دست اندر کار راجح متمسک. چرا که این عمل در این چنین شرایطی کسی های بسیاری بر این است تا از روشهایی که در طالقانی آن کرد برایشان رحمت کشید و بر آنها تکیه کرد از محتوا خالی کنند. می تازد آنها گشت بی باغی برای توده ما، و سدی هر چند کوچک بر برابر عناصر راجحی، به امید و انتظار دیدن نمایندگان پر براتر از این برادران و خواهران دانشجو. نادیدن این نمایندگان را به هکسان توصیه میکنم.

رساندند. مزدوران داخلی امپریالیسم نیز در میهن ما، فرزند دلاور خلق مهدی رضائی را به مسلخ میبردند. و همان سان که "جمله بوجیره" را با اقدام محکوم میکنند، شبرین مجاهد ما فاطمه امینی را در شکنجهگاه اوین بعد از زندهای مزید به شهادت میرسانند. و چه شوکه مند است خود که جمله بعد از شنیدن خبر محکومیت خود نه سرگ خنده های کهنه ناشی از شجاعت میبوهد و مل جراحی است و نه ناشی از لایقیدی. بلکه چنان غیر قابل تزلزل باقی مانده است. و نیز بنشین این پیام مهدی رضائی شهید ۱۹ ساله مارا در آخرین جمله بیدادگاه که: " بگذار شکنجه کنند، بگذار رگ بپوست ما را از خلق جدا گردد، تا ظلم تمام مبارزه هست و مبارزه هست، شکست و پیروزی هست. ولی سراجام پیروزی مطلق به خلق است... این را تاریخ میگوید... این را خلق میگویند و خلقها حقیقت را میگویند."

اهدای انقلاب رهایی بخش دولت ما... مبارزه و شام تنها علیه شکنجه نمود شکنجه جلازماسا و اسلحه های استعماری و وابستاست. اصولاً همه هرگونه سلطه استعماری و امپریالیستی بود هویت بر تونان سوی جامعه ای آزاد، توحید و بی طبقات رهسار سوم، و نیک بپداست همانگونه که شما نیز بدان واقف هستید که بر این امر تنها کسانی قادر خواهند بود که مصمم باشند نهال آنرا با خون خود آبیاری کنند و اما ما دام از جد هان پل پیروزی آورده را بسازیم. شما زمانی گفتند: **وللحریرة الحریرة** " باب" لکل بد منجوه سدد آزادی سرخ را دری است که تنها با دست خونین می توان بران فرو گزید. و ما میزیم بکنیم: سیر تکامل با کج و روغ همراست و در راه آن باید از سر گذشت. **باید بالا نماند که گداحی رنگ گدما خلقه**

این سرنوشته مشترک در تاریخ، در روح در مبارزه و پیروزی بود که امپریالیستها و قوف بدان گوش داشتند بن ما شو حائل شوند، گوش داشتند تا ما نرسیدن اخبار پیروزیهای شما علیه استعمار و در راه ساختن الجزایر آزاد، آباد و مستقل به گوش ما شوند. اما امروز به برکت قیام شکوه مند خلق ما و با اعتبار رهبری امام سازش ناپذیرش، ما توانستیم مد ظنوت را شکسته و در نیای آینده با هم مشارکت داشته باشیم. امپریالیستها و مرتجعین کوزل و نادان تر از آن بودند که اراده خلقها را در جهت "راهی" درگ کنند عاجز بودند که درگ کنند: **لا اله الا الله یوم ارااد الحیوة** " فلا بد ان تصحیح القدر " **ولا بد للسان ان یتجلی " ولا بد للقیس ان یتکر "**

هنگامیکه خلقها اراده حیات کنند، زنجیرها را بکنند که امپریالیستی باز نموده، تا کوزیر است که بسزا بد و تقدیر تا کوزیر است که باین خواست عادلانه پاسخ مثبت گوید **بیوند خون و آتش می ماوشما مستحکم تراد**

و در این جا ما یکبار دیگر وحدتی را که از میدان نبرد با امپریالیستها " شروع شده و در شکنجهگاهها با گوش و پیوست خون تحکم یافته گرامی میداریم، و آرزو میکنم که انقلاب الجزایر و خلق قهرمان ما پس از طرف استعمار مبارزه خود را در مسیر ضد استعماری آن تکامل و استمرار بخشد. امری که بلا شک تنها از طریق بسیج توده های امکان پذیر است علاوه بر آن در جریان مبارزه علیه مفاوی نظم طبقاتی کهنه، خلق و انقلاب الجزایر امکان خواهد یافت که مویطایف انقلابی بین المللی خویش، در جهت کمک به جنبش های انقلابی ضد امپریالیستی، بیونده خود را با سایر خلقهای تحت سلطه همچنان مستحکم باقی نگادارد. بدین ترتیب انقلاب الجزایر با طرف قاطع همه شوهای رشد اصولی و سرمایه داری، مبارزه ضد امپریالیستی خود را با موفقیت کامل پشت سر گذارد، و به مرحله نونین بعدی میروند و محور هرگونه ستم و استعمار ارتقا پیدا کنند. بیوند خون و آتش بین ما و شما مستحکم و برقرار است. بیوندی که خدا بر حقانیت آن و خلقها مان بر تحقق انقلابی آن تابه آخر گواهند.

